۶

چهره خرد

آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبایی یزدی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحیم

ادب چهره خرد (بیانات حضرت آیت اللّه سید محمد رضا مدرسی طباطبایی یزدی دامت افاضاته)

نویسنده:

محمد رضا مدرسی یزدی

ناشر چاپی:

کریمه اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ادب چهره خرد (بیانات حضرت آیت اللّه سید محمد رضا مدرسی طباطبایی یزدی دامت افاضاته)

مشخصات کتاب

سرشناسه:مدرّسی طباطبایی یزدی، سیّد محمّدرضا، ۱۳۳۴

عنوان و نام پدیدآور:

ویرایش و نشر:ادب، چهره خِرد / سیّد محمّدرضا مدرّسی طباطبایی یزدی.

گروه معارف مؤسسه پرتو ثقلین

مشخصات نشر:قم: انتشارات کریمه اهل بیت (علیهم السلام) ، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:۵۹ص / پالتویی.

شابک:

قیمت:۵ ۶ ۹۸۸۸ ۸۷۷۷ ۹۸۷

۱۲۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:آداب معاشرت اسلامی

ادب احادیث

قرآن اخلاق

ادب جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره:BP۲۸۸

رده بندی دیویی:۲۹۷/۶۱۳

شماره کتابشناسی ملی:۲۷۸۹۷۷۷۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ

«و درحقیقت تو به نیکو خلقی بزرگ، آراسته ای»

القلم : ۴

ص: ۷

فهرست مطالب

□

ص: ۸

ص: ۹

بسم الله الرحمن الرحیم

الحَمْدُلِلهِ رَبِّ العالَمِینَ

وَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرِینَ

ادب و ارزش انسانی

دوستان بزرگوار عنوان مهمّی را برای سخن برگزیده اند و آن شایستگی های اخلاقی و آداب و سنن حسنه در رفتارهای یک فرد مسلمان(۱) می باشد. انصافاً عنوان با ارزش و گران قدری است که باید مرکز توجّه همه قرار گیرد. این عنوان دارای ابعاد گوناگون و دامنه ی وسیعی است که پرداختن به همه ی آن ها نیازمند جلسات فراوان و ساعت های زیادی است؛ حتّی فهرست گویایی از همه ی آن ها نیازمند بیش از یک جلسه می باشد. امّا من سعی می کنم در این دقایقی که خدمت شما عزیزان هستم، بحثی را که شاید بیشتر مورد فراموشی قرار گرفته و بدین جهت یادآوری آن

۱- این سخنرانی در جمع فرماندهان و اعضای محترم سپاه الغدیر یزد در تاریخ ۱۲/۸/۹۰ ایراد شده است، و اکنون با اضافاتی و ویرایش، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

ص: ۱۰

لازم تر است بـا توجّه به روایتی از امیرمؤمنان علی – علیه السلام – مطرح نمایم. از مولای ما امیرمؤمنان علی – علیه السلام – چنین روایت شده است:

یَا مُؤمِنُ! إنَّ هَـذا العِلمَ و الأدَبَ ثَمَنُ نَفسِکَ فَاجْتَهِـدْ فِی تَعَلُّمِهِما؛ فَمَا یَزِیـدُ مِنْ عِلمِکَ و أدَبِکَ یَزِیدُ فِی ثَمَنِکَ و قَدرِکَ فَإنَّ بِالعِلمِ تَهتَدِی إلَی رَبِّکَ و بِالأدَبِ تُحْسِنُ خِدمَهَ رَبِّکَ و بِأدَبِ الخِدمَهِ یَستَوجِبُ العَبدُ وَلایَتَهُ و قُربَهُ فَاقبَلِ النَّصِیحَهَ کَی تَنجُوَ مِنَ العَذابِ؛۱ (۱)

ای مؤمن! این دانش و ادب، بهای جانِ تو است؛ پس در یاد گرفتنِ علم و ادب بکوش و هر آن چه بر علم و ادب تو افزایـد، به بها و قَدر تو می افزاید. همانا به وسیله ی علم، به پروردگارت راه می یابی و به وسیله ی ادب، خدمتِ (عبادت و بندگی) پروردگارت را نیکو می گردانی، و به وسیله ی ادب خدمت، بندهْ سزاوار ولایت و قرب خداوند می گردد؛ پس پند بپذیر تا از عذاب، رهایی یابی.

خطابِ یـا مؤمن! خطاب به هر مؤمنی است. مؤمن در غـالب روایـات یعنی کسـی که ولایـت امیرالمؤمنین – علیه السلام – و اولاد معصومینش – علیهم السلام – را قبول دارد؛ یعنی علاوه بر اسلام، ایمان هم دارد۲ (۲). البتّه مؤمن مراتبی دارد؛ مؤمنِ درجه ی

۱– بحارالأنوار(ط بیروت)، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲– «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ – علیه السلام –: وَلَایَهُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ – علیهما السلام – الْحَبْلُ الَّذِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی فِیهِ: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا فَمَنْ تَمَسَّکَ بِهِ کَانَ مُؤْمِناً وَ مَنْ تَرَکَهُ خَرَجَ مِنَ الْإِیمَانِ؛ امام باقر – علیه السلام – فرمودنـد: ولایت علی بن ابی طالب – علیهما السلام – ریسمانی است که خداونـد متعال درباره ی آن فرمود: «همگی به ریسمان الهی چنگ زنیـد و پراکنـده نشوید» پس هرکس به این حَبلْ تمسّک جست، مؤمن است و هرکسی که آن را ترک کند، از ایمان خارج است.» بحارالأنوار(ط – بیروت)، ج ۳۶، ص۱۸. تذکّر: لازم به ذکر است که عمدتاً در منابع مورد ارجاع از نرم افزارهای نور استفاده گردیده است، و نیز در ترجمه ی آیات قرآن کریم و روایات از ترجمه های موجود در این نرم افزار، بهره برده شده است.

ص: ۱۱

یک داریم، مؤمنِ درجه ی دو تا آخر، تا می رسد به مثل بنده که دیگر به قول آقایان در صفُّ النِعال و پایین ترینِ درجات هستم، ولی خدا را شاکریم که مؤمنیم. حضرت – علیه السلام – می فرمایند: ای مؤمن! این علم و ادب، بهای جانِ توست.

فَاجتَهِد فِی تَعَلُّمِهِما؛

تلاش کن در فراگیری و یادگرفتن علم و ادب.

فَمَا یَزِیدُ مِن عِلمِکَ و أدبِکَ یَزِیدُ فِی ثَمَنِکَ و قَدرِکَ؛

هرچه که بر علم و ادب تو بیافزاید، بر بها و ارزش تو می افزاید.

شما تا به حال درباره ی ارزشِ علم، مطالب زیادی شنیده یا خوانده اید؛ این روایت هم اشاره به ارزشِ علم

ص: ۱۲

دارد، ولی عنایت در این سخن بر قسمت دوم آن است که معمولاً کمتر از آن صحبت می شود؛ یعنی ادب.

عقل هم نیازمند ادب است

اجازه بفرمایید روایت دیگری از حضرت – علیه السلام – برایتان بخوانم. طبق این روایت که در غررالحکم آمده است، امیرالمؤمنین – علیه السلام – می فرمایند:

کُلُّ شَیءٍ یَحتَاجُ إلَی العَقلِ و العَقلُ یَحتَاجُ إلَی الأدَبِ؛۳ (۱)

هر چیزی محتاج عقل است و عقل، نیازمند ادب است.

یعنی هر اندیشه، حرکت یا برنامه ای نیازمندِ عقل می باشد و عقلْ خود نیازمند ادب است. در روایت دیگری حضرت – علیه السلام – فرمودند:

الأدَبُ صُورَهُ العَقلِ؛۴ (۲)

ادب چهره ی عقل است.

عقلی که در درون انسان ها نهفته است، با ادب بروز

۱- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۲۴۸، ح۵۱۰۲.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۲۴۷، ح۵۰۹۷؛ و در ادامه ی آن در کنز الفوائد کراجکی آمده است: «فَحَسِّنْ عَقْلَکَ کَیْفَ شِئْتَ؛ خِرد خود را هر چه خواهی بـا رعایت ادب، زیبا ساز.» ج ۱، ص۱۹۹؛ و نیز در روایت از رسول اکرم – صـلی الله علیه و آله و سلم – آمـده است: «حُسْنُ الْأَدَبِ دَلِیلٌ عَلَی صِحَّهِ الْعَقْلِ؛ نیکویی ادب، دلیل بر صـحتِ عقل است.» إرشاد القلوب(للـدیلمی)، ج ۱، ص۱۹۹.

ص: ۱۳

می کند و نمایان می شود.

ما تا به حال درباره ی لزوم اجتناب از محرّمات و انجام تکالیف واجب، مطالب زیادی شنیده ایم، امّا درباره ی ادب و آداب رفتار انسان با خدای خود، با پیامبرِ خود، با امامانِ خود، با خانواده ی خود، با جامعه ی خود و حتّی با حیوانات و جمادات۵ (۱) هرچند در دایره ی واجبات و محرّمات قرار نگیرد کمتر شنیده ایم. در حالی که در روایات، عنایت بر مبحثِ ادب، بسیار زیاد می باشد، و هیچ چیز را بدون ادب، ندانسته است. در روایت آمده است:

لِکُلِّ أَمْرٍ أَدَبٌ؛۶ (۲)

برای هر کاری، ادبی است.

و از طرف دیگر، روایت می فرماید:

لا شَرَفَ مَعَ سُوءِ الأَدَبِ؛۷ (۳)

۱- «فَإِنَّکُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّی عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ همانا از شما می پرسند حتّی از زمین ها و چهارپایان.» نهج البلاغه ی صبحی صالح، ص۲۴۲، خطبه ی۱۶۷.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۲۴۷، ح۵۰۹۰؛ البتّه در برخی نسخه ها چنین آمده است: «لِکُلِّ إمْرِءٍ إرَبٌ؛ برای هر کسی نیازی است.» شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص۱۳؛ و نیز در کتاب عیون الحکم و المواعظ(لليثی) آمده است: «لِکُلِّ امْرِئٍ أَدَبٌ؛ برای هر مردی، ادبی است.» ص۴۰۲.

۳- شرح علی مأه کلمه لأمیرالمؤمنین - علیه السلام - (ابن میثم البحرانی)، ص۲۱۰، الکلمه الاربعه و الاربعون؛ و در تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۲۴۸، ح۵۱۲۷ چنین آمده است: «لا شَرَفَ مَعَ سُوءِ أدَبٍ».

ص: ۱۴

هیچ شرافتی با سوء ادب، وجود ندارد.

و در روایت از امام صادق - علیه السلام - آمده است:

خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرُ مُسْتَمْتَعٍ قِيلَ: وَ مَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! قَالَ: الدِّينُ وَ الْعَقْلُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الْأَدَب ... ؛۸ (۱)

پنج چیز اگر در کسی نباشد در او بهره ی زیادی نیست: دین؛ عقل؛ شرم؛ خوی نیکو و ادب نیکو.

خداوند متعال برترین مؤَدِّب و پیامبر – صلی الله علیه و آله و سلم – برترین متأدِّب

خداونـد متعال أدب کننـده ی پیامبر - صـلی الله علیه و آله و سـلم - بود؛ یعنی پیامبر - صـلی الله علیه و آله و سـلم - متأدَّب به ادب الهی شد:

خُذِ العَفوَ و أمُر بِالعُرفِ و أَعرِض عَنِ الجاهِلین؛۹ (۲)

(با آن ها) مدارا کن و عُذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت کن، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن).

در ذیل این آیه ی شریفه، امام صادق - علیه السلام - می فرمایند:

۱- الأمالی(للصدوق)، ص ۲۹۱.

۲- سوره ی أعراف، آیه ی ۱۹۹.

ص: ۱۵

خداوند متعال با این آیه ی مبارکه، پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - را تربیت و مؤدَّب کرد، بعد از آن که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به ادب الهی متأدِّب شد، خداوند متعال خطاب به پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود:

وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ؛ ۱۰ (۱)

و همانا تو بر مَلَکه ی نفسانی بزرگی (که همه ی اخلاقِ فاضله ی انسانی در آن جمع است) استواری ۱۱ (۲).

در روایت دیگری آمده است: پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - متأدِّب به ادب الهی شد و خداوند مؤدِّب پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بود و پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - امیرالمؤمنین - علیه السلام - را متأدِّب کرد و ائمّه - علیهم السلام - ما را

۱- سوره ی قلم، آیه ی ۴.

۲- «عَنْ فُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - علیه السلام - یَقُول: إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أدَّبَ نَبِیَّهُ فَأَحسَنَ أدَبَهُ فَلَمَّا أکمَلَ لَهُ الأدَبَ قَالَ: إنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَیهِ أمرَ الدِّینِ و الأُمَّةِ لِیَسُوسَ عِبَادَهُ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ و ما نَهاکُم عَنهُ فَانتَهُوا و إنَّ رَسُولَ اللهِ - صلی الله علیه و آله و سلم - کَانَ مُسَدَّداً مُوَفَّقاً مُؤَیَّداً بِرُوحِ القُدُسِ لایَزِلُّ و لایُخطِئُ فِی شَیْءٍ مِمَّا یَسُوسُ بِهِ الخَلقَ فَتَأَدَّبَ بِآدابِ الله ... ؛ فضیل بن یسار می گوید: شنیدم که امام صادق - علیه السلام - می فرمود: همانا خدای عزّوجلّ پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت کرد. هنگامی که تربیت او را تکمیل کرد، فرمود: «تو بر خُلق عظیمی استواری» سپس امر دین و امّت را به او واگذار فرمود تا سیاست بندگانش را به عهده گیرد، سپس فرمود: «آن چه را رسول برای شما آورده بگیرید و از آن چه شما را نهی کرده باز ایستید» همانا رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - استوار و موفّق و مؤیّد به روح القدس بود. نسبت به سیاست و تدبیرِ خَلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت. به آداب خدا تربیت شد.» کافی، ج ۱، ص ۲۶۶.

ص: ۱۶

ادب می کنند۱۲ (۱). خداونـد متعال سایر پیامبرانش - علیهم السـلام - را نیز تعلیمِ ادب می داد؛ ببینیـد وقتی که حضـرت موسـی - علیه السلام - به وادی مقدّس رسید خداوند متعال فرمود:

فَاخلَع نَعلَیکَ إنَّکَ بِالوادِ المُقَدَّسِ طُویً؛۱۳ (۲)

کفش هایت را بیرون آر که تو در سرزمینِ مقدّسِ طُوی هستی.

انسان بایـد در رفتار، اخلاق و گفتار خود، دارای ادب باشـد. این چنین نیست که فرد حتّی خارج از محدوده ی واجبات و محرّمات، آزاد مطلق باشد و هرگونه بخواهد رفتار کند.

در یک نگاه کلّی، رعایت ادب از جانب انسان، ابعاد متعدّدی دارد مثل:

الف. رعایت ادب نسبت به ذات اقدس پروردگار؛

ب. رعایت ادب نسبت به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - ، ائمّه ی هدی - علیهم السلام - و قرآن کریم؛

ج. رعایت ادب نسبت به علما، اولیای الهی،

۱- «عَنْ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ - علیه السـلام -: أَنَّهُ قَالَ فِی وَصِیَّتِهِ إِلَیْهِ(کمیل): یَا کُمَیْلُ! إِنَّ رَسُولَ اللهِ - صلی الله علیه و آله و سلم - أَدَّبَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ أَدَّبَنِی وَ أَنَا أُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِینَ وَ أُوَرِّثُ الْأَدَبَ الْمُکَرَّمِینَ؛ امیرالمؤمنین - علیه السـلام - در وصـیّتش به کمیـل فرمود: ای کمیـل! همانـا رسول خـدا - صـلی الله علیه و آله و سـلم - را خـدا تربیت کرد و او مرا و من مؤمنـان را، و ادب را بهره ی نیکان قرار دهم.» مستدرک الوسائل، ج۱۷، ص۲۶۸.

۲- سوره ی طه، آیه ی۱۲.

ص: ۱۷

بزرگ سالان در اسلام و ذریّه ی پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - ؛

د. رعایت ادب نسبت به پدر، مادر، فرزند و همسر؛

ه. رعایت ادب نسبت به علم، معلّم و عالم؛

و. رعایتِ ادب نسبت به فرمانده و افراد تحت فرمان؛

ز. رعایت ادب نسبت به کارگر و کارفرما؛

ح. رعایت ادب نسبت به دوستان و معاشران؛

ط. رعایت ادب نسبت به فقیر، درمانده، بیمار، مصیبت زده، اموات و ... ؛

ی. رعایت ادب نسبت به جامعه به طور کلّی؛

ک. رعایت ادبِ رابطه با بیگانگان و کافران؛

ل. رعایت ادبِ دارایی و مال، طبیعتِ جان دار و غیر جان دار؛

و ... .

به خاطر کمیِ وقت و مشترک بودن برخی از این ابعاد در دلیل و وجهِ لزوم رعایت ادب، بدون تفکیک تفصیلی هر بُعْد از دیگری، بحث را دنبال می کنیم.

بایـد توجّه کنیم اکثر این آدابی که ذکر می شود گرچه رعـایت آن هـا واجب نیست امّا انسانِ خالی از این آداب همچون انسان بی لبـاس یا بدلباسـی خواهـد بود که نگاه ها در پایین ترین سـطح به او متوجّه است، یا چون سـفره ایست که جز غـذای بی مزه و طعم، چیز دیگری در

ص: ۱۸

آن یـافت نمی شود و این هـا گرچه به طور موردی و در کوتـاه مـدّت قابـل تحمّل است، امّا این روش اگر فراگیر و پایـدار شود، به اساس نیازهای انسان نیز ضربه می زند و تعهّد انسان را در برابر واجبات و محرّمات، ضعیف کرده و انسان را در پرتگاه هلاکت قرار می دهد، چنان که ترک برخی آداب، انسان را از رسیدن به کمالات مادّی و معنوی محروم می کند:

عَنْ عَلِیٍّ – علیه السلام –: مَنْ قَلَّ أدَبُهُ کَثُرَتْ مَساوِیه؛۱۴ (۱)

امام علی – علیه السلام – می فرماید: هرکس ادب او کم باشد، بدی های او فزون خواهد شد.

ادب در مقابل خداوند متعال

ادبِ بنـده در برابر ربّ العـالمین، بالاـترین ادبی است که بایـد رعـایت شود. وقتی مـا در مقابل خداونـد متعال قرار می گیریم و می خواهیم نیـایش، پرسـتش و دعـا کنیم، آیـا آدابِ دعـا را به جـا می آوریم؟ اصـلًا آداب صـحبت بـا خداونـد چیست؟ آیا این روش صحیحی است که مـا انجـام می دهیم؟! به گونه ای که گـاهی بـا طهـارت، گـاهی بی طهـارت، گـاهی با توجّه و گاهی بی توجّه به نیایش و دعا می پردازیم. البتّه ذکرِ خدا در همه حال، خوب است

۱- شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص۲۲۴، ح۸۰۸۹.

ص: ۱۹

«فَإنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجِلَّ حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ ... .۱۵ (۱)» امّا آن وقتی که ما حاجتی داریم و مقام، مقامِ عبادت، تضرّع و نیایش می باشد آیا درست است که به درگاه پروردگار عالَم به هر روشی وارد شویم؟!

در بعض ادعیه آمده است:

وَ ارْزُقْنِی حُسْنَ الْأَدَبِ فِیمَا تَوَجَّهْتُ إِلَیْکَ فِیه؛۱۶ (۲)

حُسن ادب را روزیِ من فرما در هرچه بدان به سوی تو توجّه می کنم.

امام صادق – علیه السلام – در روایتی می فرمایند:

إنَّمَا هِیَ المِدحَهُ ثُمَّ الثَّنَاءُ ثُمَّ الإقرَارُ بِالذَّنبِ ثُمَّ المَسألَهُ؛۱۷ (۳)

جز این نیست که آن (آداب دعا) مدح است، سپس ستایش، بعد اقرار به گناه، آن گاه درخواست.

پس اوّل باید ستایش، مدح و ثنای الهی را به جای آورده سپس اقرار به گناه کرد، آن وقت از درگاهِ خداوند چیزی خواست. بعضی فقط دست به آسمان بلند می کنند و می گویند: خدایا خیر دنیا و آخرت به ما بده! گرچه این هم خوب است، ولی ادب نیست؛ بلکه باید

۱- کافی(ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص۴۹۷.

۲- بحارالأنوار(ط – بیروت)، ج ۹۲، ص۴۰۷.

۳- کافی(ط الإسلامیه)، ج ۲، ص۴۸۴.

ص: ۲۰

دیـد، کجا و در مقابل چه کسـی قرار گرفته ایـد! خـدای لایتناهی، ربّ الارباب، مالک یوم الـدّین، چه عظمتی دارد! آن خدایی که وقتی ائمّه – علیهم السلام – در مقابل او قرار می گرفتند، رنگ از چهره ی ایشان می پرید!

در روایات آمده است: ائمّه – علیهم السـلام – هنگام وضو، حال شان منقلب می گشت۱۸ (۱). هر چیزی معیاری دارد و أدبِ مع الله هم حساب دارد. متأسّفانه شیطان تلاش می کنـد در همه جا رخنه کنـد و خرابی به بار آورد که یکی از آن ها همین مسأله ی ادب است. این که انسان باید با خدای خود، ادب داشته باشد از واضحات است. امام صادق – علیه السلام – در روایتی می فرمایند:

مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ – صلى الله عليه و آله و سلم – مُتَّكِئاً مُنذُ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى أن قَبَضَهُ و كَانَ يَأكُلُ إكلَةَ

۱- «كَانَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ – علیه السـلام – إِذَا أَخَذَ فِي الْوُضُوءِ يَتَغَيَّرُ وَجْهُهُ مِنْ خِيفَهِ اللَّهِ تَعَالَى وَ كَانَتْ فَاطِمَهُ – علیها السـلام – تَنْهَجُ فِي الصَّلَاهِ مِنْ خِيفَهِ اللَّهِ تَعَالَى وَ كَانَ الْحَسَنُ – علیه السـلام – إِذَا فَرَغَ مِنْ وُضُوئِهِ يَتَغَيَّرُ لَوْنُهُ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ حَقٌّ عَلَى مَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ عَلَى ذِي الْعَرْشِ أَنْ يَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ وَ يُرْوَى مِثْلُ هَذَا عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ – علیه السـلام –؛ امیرالمؤمنین – علیه السـلام – هرگاه وضـو می ساخت، رنگ چهره اش از خوف خداوند متعال تغییر می کرد. حضـرت فاطمه – علیها السلام – به هنگام نماز از خوف خداوند بـاری تعـالی نفسـش به شـماره می افتـاد. امـام حسن – علیه السـلام – وقتی از وضو فارغ می گردیـد رنگ چهره اش تغییر می کرد، هنگـامی که از وی دربـاره ی علّت این حـالت سؤال کردنـد، فرمـود: سـزاوار است که وقـتی در برابر پروردگـار صـاحب عرش می ایستیم، رنگ از چهره ی ما پریده باشد. و شبیه این روایت را درباره ی امام سجّاد – علیه السلام – هم نقل کرده اند.» بحارالأنوار(ط – بیروت)، ج ۶۷، ص ۴۰۰.

ص: ۲۱

العَبدِ وَ یَجلِسُ جِلسَهَ العَبدِ. قُلتُ: و لِمَ ذَلِکَ؟ قَالَ – علیه السلام –: تَواضُعاً لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛۱۹ (۱)

رسول خدا – صلی الله علیه و آله و سلم – از آن گاه که خداوند او را مبعوث کرد تا وقتی که خداوند او را قبض روح کرد، هرگز به هنگام غذا خوردن تکیه نکردند و همواره مانند بندگان غذا می خوردند و می نشستند. (راوی می گوید) گفتم: علّت این کار چه بوده است؟ حضرت – علیه السلام – فرمودند: برای فروتنی به پیش گاه خداوند عزّوجل.

آن وقت می بینیم عدّه ای به نام صوفی پیدا شده، گفته اند: وقتی که انسان دوست خدا شد و محبّت خدا را پیدا کرد و خیلی به خدا نزدیک شد، از آن جا که بین دوستان نباید آدابی باشد در این حال عبادت هم که ادب محسوب می شود ساقط می گردد؛ بعد هم یک قافیه ای درست کرده اند و می گویند: «تسقط الآداب بین الأحباب؛ آداب و اخلاقِ درست بین دوستان، ساقط می شود.» ببین شیطان تا کجا منحرف می کند! شکل و ظاهر قشنگی هم به حرف خود داده اند.

یکی از علمای شیعه به نام دیلمی کتاب شریف و لطیفی دارد به نام إرشاد القلوب، ایشان می گوید: کسی به من گفت: جنید بغدادی معروف گفته که: «إذا صحت الموده، سقطت شروط الأدب؛ هرگاه که محبّت ثابت و پایدار شد، شرایطِ ادب، ساقط می شود.» یعنی دیگر نباید با

۱- کافی، ج۶، ص ۲۷۰.

ص: ۲۲

خداونـد متعال از روی ادب رفتار کرد؛ چون محبّت زیاد شـده است! این عالِم بزرگوار (جناب دیلمی) ;می گوید: «و هذا غلط» این حرفِ غلطی اسـت کـه این آقـا یـا طرفـدارانش درست کرده انـد البتّه من نمی دانم او چنین گفته باشـد، ولی قطعاً طرفـدارانش می گویند . چرا غلط است؟:

إذا صـحت المحبهُ و خلصت، تأکـدت علی المحب ملازمه الأدب و الـدلیل علی ذلک أنّ رسول الله – صـلی الله علیه و آله و سـلم – کان أکثر الناس محبه لله تعالی و أعظمهم أدبا؛ ۲۰ (۱)

هرگاه دوستی، محکم و خالص شد، لزوم رعایت ادب بیشتر می شود؛ دلیل بر این مطلب این است که رسول خدا – صـلی الله علیه و آله و سلم – از تمام مردم دوستیش نسبت به خدای تعالی بیشتر و ادب آن حضرت از همه ی مردم عظیم تر بود.

چه کسـی نزدِ خداوند، محبوب تر از پیغمبر – صـلی الله علیه و آله و سـلم – بود، و چه کسـی بیش از پیامبر – صـلی الله علیه و آله و سلم – خـدا را دوست می داشت. لقب حضـرت، حبیب الله است. در عین حال که بالاترین درجاتِ محبّت را دارا بود، بالاترین ادب را در برابر خداونـد متعال داشت، که اشاره کردیم برای رعایت ادب و تواضع در برابر خداونـد در هنگام غـذاخوردن به جایی تکیه نمی داد. آن قدر عبادت کرد که آیه نازل شد:

۱- إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج ۱، ص۱۶۳.

ص: ۲۳

طه مَا أنزَلْنَا عَلَیکَ القُرْآنَ لِتَشْقَی؛۲۱ (۱)

ما قرآن را به تو نازل نکردیم که این قدر به رنج بیفتی.

به هرحال رعایت ادب در برابر ذات اقدس پروردگار و آداب عباداتی همچون دعا، نماز، روزه، حجّ و ... امور مهمّی است که کتاب ها از آن مشحون است و باید مؤمنین به آن توجّه کافی داشته باشند. از طرف دیگر ادبِ حضور در محضر خدای سمیع و بصیر و مُنعِم و قاهر و قادر باید ما را از ارتکاب گناه بلکه اندیشه ی گناه باز دارد. این چه ادبی است که در محضر خدای خود به فکر گناه بیفتیم یا خدای ناکرده آلوده به گناه شویم و بدتر آن که شرم نکنیم و از گناه انجام شده پشیمان نشویم.

ادب در رابطه با پیامبر اکرم – صلی الله علیه و آله و سلم –، ائمّه – علیهم السلام –، علما و اولیا

ادب دیگری که رعایت آن لازم است، در رابطه با پیامبر اکرم – صلی الله علیه و آله و سلم – می باشد. در موردِ رعایت ادب با پیامبر – صلی الله علیه و آله و سلم – ، ببینید در سوره ی مبارکه ی حُجُرات خداوند متعال چگونه به بندگانش می آموزد با پیامبر – صلی الله علیه و آله و سلم – از روی ادب رفتار کنند:

یا أیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُقَدِّمُوا بَینَ یَدَیِ اللهِ و رَسُولِه؛۲۲ (۲)

۱- سوره ی طه، آیات۱و۲.

۲- سوره ی حجرات، آیه ی۱.

ص: ۲۴

ای کسانی که ایمان آورده اید! بر خدا و فرستاده ی او تقدّم نجویید.

بعد از این فرمان کلّی و فراگیر، خداوند متعال می فرماید:

لاتَرفَعُوا أصواتَکُم فَوقَ صَوتِ النَّبِیِّ و لاتَجهَرُوا لَهُ بِالقَولِ کَجَهرِ بَعضِکُم لِبَعضٍ أن تَحبَطَ أعمالُکُم و أنتُم لاتَشعُرُون؛۲۳ (۱)

(برای رعایت ادب و مقام پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -) صدای خود را (هنگام صحبت) بلندتر از صدای پیامبر نبرید و با او بلند سخن نگویید همانند آن که با یکدیگر بلند سخن می گویید، مبادا عمل هایتان حَبط و تباه گردد درحالی که نمی دانید.

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در مقابل مؤمنین تواضع می فرمود۲۴ (۲).

۱- . سوره ی حجرات، آیه ی۲.

۲- . «(قَالَ مُحَمَّدُ بنُ مُسْلِم) ;سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ - علیه السلام - یَذْکُرُ أَنَّهُ أَتَی رَسُولَ اللَّهِ - صلی الله علیه و آله و سلم - مَلَکٌ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ یُخَیِّرُکَ أَنْ تَکُونَ عَبْداً رَسُولًا مُتَوَاضِعاً أَوْ مَلِکاً رَسُولًا؛ قَالَ - علیه السلام -: فَنَظَرَ - صلی الله علیه و آله و سلم - إِلَی جَبْرَئِیلَ وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ أَنْ تَوَاضَعْ؛ فَقَالَ - صلی الله علیه و آله و سلم - : عَبْداً مُتَوَاضِعاً رَسُولًا؛ فَقَالَ الرَّسُولُ: مَعَ أَنَّهُ لَا یَنْقُصُکَ مِمَّا عِنْدَ رَبِّکَ شَیْئاً؛ قَالَ - علیه السلام -: وَ مَعَهُ مَفَاتِیحُ خَزَائِنِ الْأَرْض؛ (محمّد بن مسلم ;می گوید:) از امام باقر - علیه السلام - شنیدم که می فرمود: فرشته ای نزد رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - آمد و گفت: خداوند عزّوجلّ اختیار داده است که بنده، فرستاده و با تواضع باشی یا پادشاه و پیغمبر؛ (امام - علیه السلام -) فرمود: پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - به جبرئیل نگاه کرد و او با دستش اشاره کرد که تواضع را انتخاب فرما و آن حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: بنده، متواضع و رسول باشم، و آن پیام آور گفت: با این که در هر حال از مقامی که نزد خدا داری کاسته نشود، امام - علیه السلام - فرمود: و کلید گنج های زمین را هم با خود آورده بود.» کافی، ج ۲، ص۱۲۲.

ص: ۲۵

عدّه ای به جای آن که با دیدن تواضعِ حضرت – صلی الله علیه و آله و سلم – تواضعِ بیشتر در مقابل ایشان کنند و ارزش این خُلق و خویِ خوب را بدانند، سوء استفاده می کردند. بعضی جهالت داشتند. برخی هم منافق بودند و عناد داشتند؛ می آمدند پشت حجره های پیامبر – صلی الله علیه و آله و سلم – با بی ادبی، حضرت – صلی الله علیه و آله و سلم – را با کلام یا محمّد! مورد خطاب قرار می دادند. خیال می کردند با بچه ی خودشان یا فردی مثل خودشان رو به رو هستند۲۵ (۱). این ها کسانی نیستند که ادب داشته باشند؛ به همین خاطر صراحتاً در قرآن کریم مورد توبیخ قرار می گیرند. برخی فکر می کنند این ها چیزهای ساده ای است، درحالی که بسیار مهمّ است. خداوند متعال در چندین آیه نسبت به این مسائل، عنایت فرموده و آن هایی را که صدایشان را پایین می آوردند و مؤدّب صحبت می کردند مورد لطف و مغفرت قرار داده است. خداوند متعال می فرماید:

إنَّ الَّذینَ یَغُضُّونَ أصواتَهُم عِندَ رَسُولِ اللهِ أولئِکَ الَّذینَ امتَحَنَ اللهُ قُلُوبَهُم لِلتَّقوی لَهُم مَغفِرَةٌ و أجرٌ عَظیمٌ؛۲۶ (۲)

۱– البتّه حتّی با فرزندان و افراد دیگر هم باید رعایتِ ادب بشود.

۲– . سوره ی حجرات، آیه ی۳.

ص: ۲۶

همانا کسانی که صـداهای خود را نزد رسول خـدا پایین می آورنـد، کسانی اند که خداوند، دل هایشان را برای پرهیزکاری آزموده (و آماده ساخته) است، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.

و کلّاً پایین آوردن صدا از آدابی است که قرآن کریم می فرماید جناب لقمان – علیه السلام – به فرزند خود آموخت:

وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِکَ؛۲۷ (۱)

و آواز خود را بلند مکن (بلند سخن مگو).

وقتی که بزرگی به خـاطر اخلاـق برترِ خود در مقابـل مـا تعظیم، تواضع و احترام می کنـد مـا نبایـد خود را فراموش کرده و به جای تواضع و ادب بیشتر طوری رفتـار کنیم که نامنـاسب باشـد. این ادبِ معاشـرت با پیامبر – صـلی الله علیه و آله و سلم – است. ادب با پیـامبر – صـلی الله علیه و آله و سـلم – در مورد ائمّه – علیهم السـلام – هم سـاری و جاری است حتّی نسـبت به قبور مطهّر آنان باید رعایت ادب شود تا آن جا که در روایت آمده است که نماز را مقدّم بر قبر نخوانید:

... أَمَّا الصَّلَاهُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ یَجْعَلُهُ الْأَمَامَ وَ لَا یَجُوزُ أَنْ یُصَلِّیَ بَیْنَ یَدَیْهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا یُتَقَدَّمُ؛۲۸ (۲)

... امّا نماز پس همانا نماز را پشت مرقد شـریف در حالی که قبر را در پیش روی خود دارد به جا می آورد و جایز نیست پیش روی قبرِ مطهّر

۱– سوره ی لقمان، آیه ی۱۹.

۲– وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۶۰.

ص: ۲۷

نماز را اقامه کند؛ زیرا کسی بر امام – علیه السلام – نباید مقدّم شود.

در مورد کسانی که جانشینان پیامبر – صلی الله علیه و آله و سلم – و معصومین – علیهم السلام – هستند نیز باید رعایت ادب مناسب بشود. کسی که رفتارش با ولیّ فقیه، مراجع، علما، فقها و حتّی با معلّمش مانند رفتارش با دیگران باشد، این خلاف ادب است. از امیرالمؤمنین – علیه السلام – روایت شده است:

مَنْ وَقَّرَ عَالِماً فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ؛۲۹ (۱)

کسی که عالمی را بزرگ بِدارد خدای خود را بزرگ شمرده است.

و باز از حضرت – علیه السلام – آمده است:

إِیَّاکَ أَنْ تَسْتَخِفَّ بِالْعُلَمَاء؛۳۰ (۲)

مبادا که عالمان را سبک بشماری.

و در روایتی امیرالمؤمنین – علیه السلام – می فرماید:

قُم عَن مَجلِسِکَ لِأبِیکَ و مُعَلِّمِکَ و لَو کُنتَ أمِیراً؛۳۱ (۳)

از جای خود به احترامِ پدر و استادت برخیز اگر چه امیر و فرمان روا باشی.

خوب دقّت بفرمایید! می فرماید: و لو این که فرمانده و

۱- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۴۷، ح۲۱۸.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۴۷، ح۲۱۶.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص۲۰۳.

ص: ۲۸

امیر باشی، هنگامی که پدر یا معلّمت وارد شد به احترام او بایست و از جایت بلند شو. متأسّفانه بعضی از ماها ظرفیت کافی نداریم. اگر موقعیّتی برایمان پیدا شود یا شرایط اجتماعی برای ما فراهم گردد، نسبت به معلّم و حتّی نسبت به پدرمان، احترامِ لازمی را که باید به جا آوریم، انجام نمی دهیم. این ها خلافِ اسلام است و روش هایی است که شیطان به ما القا می کند.

ادبی که انسان باید با عالِم، معلِّم و استاد داشته باشد در روایات، بسیار مورد عنایت قرار گرفته است. آموزه هایی در آدابِ رفتارِ با استاد، چگونگی سؤالِ از ایشان، شیوه ی حضور در مجلسِ درس، رفتار انسان با خانواده اش، همسرش، فرزندانش، دوستانش، فرماند ه اش و زیردستانش، شاگردانش، همسایه اش، میهمانش و ... وارد شده است. هر رفتاری، ادب و آدابِ مخصوص به خود را دارد که اگر رعایت نشود چه بسا فردْ مبتلاـ به سوء ادب شود؛ مثلاًـ از مصادیق سوء ادب آن است که فردی تیزی سخن و زیبایی کلام خود را متوجّه کسی کند که به او سخن آموخته است. در نهج البلاغه آمده است:

لَا تَجْعَلَنَّ ذَرَبَ لِسَانِکَ عَلَی مَنْ أَنْطَقَکَ وَ

ص: ۲۹

بَلَاغَهَ قَوْلِکَ عَلَی مَنْ سَدَّدَکَ؛۳۲ (۱)

با کسی که ترا سخن آموخته با تندی حرف نزن و با آن که گفتارت را نیکو ساخته، سخن بلیغ و رسای خود را به کار مبند.

از دیگر مصادیق سوء ادب، آن است که فردی درِگوشی در حضور دیگران صحبت کند مگر در موارد استثنا. خداوند متعال می فرماید:

لا خَیْرَ فی کَثیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إلاَّ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَهٍ أوْ مَعْرُوفٍ أوْ إصْلاحٍ بَیْنَ النَّاسِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ فَسَوْفَ نُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً؛۳۳ (۲)

در بسیاری از سخنانِ درگوشیِ آن ها، خیر و سودی نیست مگر کسی که به این وسیله امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند و هرکس برای خشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

و فرموده است:

إِنَّمَا النَّجْوَی مِنَ الشَّیْطَانِ لِیَحْزُنَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ لَیْسَ بِضَارِّهِمْ شَیْئً إِلَّا بِإِذْنِ اللهِ وَ

۱- نهج البلاغه ی صبحی صالح، ص۵۴۸، حکمت ۴۱۱.

۲- سوره ی نساء، آیه ی ۱۱۴.

ص: ۳۰

عَلیَ اللهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُون؛۳۴ (۱)

نجوا (درگوشی) تنها از سوی شیطان است، می خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند ولی نمی توانند هیچ گونه ضرری به آن ها برساند جز به اذن پروردگار؛ پس مؤمنان تنها بر خدا توکّل کنند.

ادب حضور در میان دوستان، مردم و مسجد

اسلام برای این که بین مردم، پیوند باشد و محبّتْ همه جا را فرا بگیرد، برای سراسرِ زندگانی و برخوردها و رفتارهای ما ادب قرار داده است. بعضی ادب ها منصوص است و برخی از آداب، عرفی است؛ یعنی انسان خودش می تواند بر اساس شرایط و مقتضیات زمان و حکمِ عقل و شرع، آدابی را ابداع کند؛ البتّه نه به گونه ای که مبتلا به بدعت در شرع شود.

اوّلین ادب این است که وقتی وارد اجتماع می شوی بین برادران، خواهران و دوستانت طوری حضور یابی که مناسب باشد. در روایتی درباره ی رسول اکرم – صلی الله علیه و آله و سلم – چنین نقل شده است:

أَنَّهُ – صلی الله علیه و آله و سلم – کَانَ یَنظُرُ فِی المِرآهِ و یُرَجِّلُ جُمَّتَهُ و یَمتَشِطُ؛

(پیامبر – صلی الله علیه و آله و سلم –) در آینه نگاه می کرد و موهای

۱- سوره ی مجادله، آیه ی ۱۰.

ص: ۳۱

سرش را منظّم می فرمود و شانه می زد.

و رُبَّمَا نَظَرَ فِی المَاءِ و سَوَّی جُمَّتَهُ فِیهِ؛

و گاه با نگاه در آب، موهای سرش را مرتّب می فرمود.

و لَقَدکَانَ یَتَجَمَّلُ لِأصحَابِهِ فَضلاً عَلَی تَجَمُّلِهِ لِأهلِهِ؛

(پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم -) برای اصحاب خود نیز خود را آراسته می کرد، تا چه رسد به اهل خود.

و حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرمود:

إنَّ اللَّهَ یُحِبُّ مِن عَبدِهِ إذَا خَرَجَ إلَی إخوَانِهِ أن یَتَهَیَّأَ لَهُم و یَتَجَمَّلَ؛۳۵ (۱)

خداوند دوست دارد هنگامی که بنده به سوی برادران خود بیرون می رود، خود را برای آن ها منظّم کند و بیاراید و زیبا سازد.

صبح که می خواهی بیرون بیایی، اگر با موهای ژولیده، مَحاسن به هم ریخته، لباسِ چروک شده و حالت حزین باشی، این ها ارزش ندارد۳۶ (۲). همان طور که در روایت دیدیم، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - خودش را می آراست و

۱- . وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۱۱.

۲- . «قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ - علیه السلام -: لِیَتَزَیَّنْ أَحَدُکُمْ لِأَخِیهِ الْمُسْلِمِ کَمَا یَتَزَیَّنُ لِلْغَرِیبِ الَّذِی یُحِبُّ أَنْ یَرَاهُ فِی أَحْسَنِ الْهَیْئَهِ؛ امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - فرمودند: هر یک از شما هنگامی که به دیدار برادر خویش می رود، باید چنان خود را مرتّب و آراسته کند که برای یک بیگانه چنین می کند، بیگانه ای که (با او رودرواسی دارد و) می خواهد او را به بهترین هیئت ببیند.» وسائل الشیعه، ج۵، ص۱۱.

ص: ۳۲

سپس در میان مردم حاضر می شد، موهای سرشان را شانه کرده و می آراستند و لباس تمیز می پوشیدند. در آن زمانی که داشتن آینه مشکل بود، حضرت – صلی الله علیه و آله و سلم – چه بسا در آبی نگاه می کردند که ظاهرشان برای بیرون آمدن، آراسته و مناسب باشد. اوّلین ادب این است که لباس ها منظّم باشد. گاهی برخی با همان لباس کارشان وارد مجلس میهمانی می شوند که این عمل با ادب سازگار نیست و مبادا برخی آن را نشانه ی زهد و ساده زیستی بپندارند که در چنین حالتی مرتکب اشتباه شده اند. در روایتی از امام صادق – علیه السلام – چنین نقل شده است:

إنَّمَا السَّرَفُ أن تَجعَلَ ثَوبَ صَونِکَ ثَوبَ بَذلِك؛۳۷ (۱)

همانا اسراف این است که جامه ی آبروداری خود را در همه وقت بپوشی.

نبایـد لباس کارت را که چه بسا کثیف، پاره، چروك و به هم ریخته است، لباس حضورت در مجالس قرار دهی. برخی با هر وضـع و لباسی، به نماز جماعت می روند. امّا خداوند متعال می فرماید:

﴿یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُم عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛۳۸ (۲)

۱- بحارالأنوار(ط بیروت)، ج ۷۲، ص۳۰۳.

۲- سوره ی أعراف، آیه ی۳۱.

ص: ۳۳

ای فرزندان آدم! (در وقت هر نماز و) در هر مسجدی، آرایش و زینتتان را (به تناسب آن عمل و محل) بر گیرید.

بعضـی با بـدن و پاهای عرق کرده ای که بوی بـدی به همراه دارد، در مسـجد حاضـر می شوند! در حالی که انسان برای حضور در مکان شریفی مانند مسجد، باید معطّر باشد:

العِطرُ مِن سُنَنِ المُرسَلِينَ؛۳۹ (۱)

عِطر زدن (معطّر کردن) یکی از سنّت های پیامبران – علیهم السلام – است.

یکی از حکمت های غسل روز جمعه، زدودن بویِ زیر بغل و بـدن اسـت۴۰ (۲) و کلّاً در مورد روز جمعه و آماده شـدن برای نماز جمعه در روایت آمده است:

لِيَتَزَيَّنْ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَهِ يَغْتَسِلُ وَ يَتَطَيَّبُ وَ يُسَرِّحُ لِحْيَتَهُ وَ يَلْبَسُ أَنْظَفَ

۱– کافی (ط الإسلامیه)، ج ۶، ص ۵۱۰.

۲– «قَالَ الصَّادِقُ – علیه السـلام – فِی عِلَّهِ غُسْـلِ يَوْمِ الْجُمُعَهِ: إِنَّ الْأَنْصَـارَ كَـانَتْ تَعْمَـلُ فِی نَوَاضِـحِهَا وَ أَمْوَالِهَـا فَـإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَهِ حَضَـرُوا الْمَسْـجِدَ فَتَأَذَّى النَّاسُ بِأَرْوَاحِ آبَاطِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ – صـلی الله علیه و آله و سـلم – بِالْغُسْلِ فَجَرَتْ بِـذَلِكَ السُّنَّه؛ امام صادق – علیه السـلام – درباره ی علّت غسل روز جمعه فرمونـد: که انصار با شتران آب کشِ خود و هم چنین در املاک خود، جهت آبیاری و غیره در طول هفته کار می کردند و چون روز جمعه فرا می رسـید در مسـجد حاضر می شدند و مردم از بوی ناخوشاینـد عرق بدن و زیر بغل ایشان در آزار و رنج بودند، پس رسول خدا – صـلی الله علیه و آله و سـلم – آنان را به غسل کردن امر فرمودند و بدین گونه سنّت بر انجام آن جاری شد» وسائل الشیعه، ج ۳، ص۳۱۵.

ص: ۳۴

ثِیابِهِ وَ لْیَتَهَیَّأْ لِلْجُمُعَه؛۴۱ (۱)

باید هر یک از شما در روز جمعه زینت کند؛ غسل کند و خود را خوش بو نماید و محاسنش را مرتّب کند و تمیزترین لباس هایش را بپوشد و برای جمعه مهیّا شود.

یکی از آداب این است که بـا روی خوش و چهره ی متبسّم بـا مؤمنین، برخورد کنیم حتّی اگر ناراحتی در ما وجود دارد. در ضـمن بر شمردن صفات مؤمن در روایت چنین آمده است:

المُؤْمِنُ ... هَشَّاشٌ بَشَّاشٌ لا بِعَبَّاسٍ و لا بِجَسَّاس ... ؛۴۲ (۲)

مؤمن ... خوش رو، خوش خو و غیر اخمو است و غیر کاونده (در امور مردم) است ... .

مـؤمن، خـوش احوال، متبسّم و غیر عبوس است. در عین حـال، مؤمنْ فضول هم نیست که مرتّب تجسّـس کنـد چی شـده؟ کجـا چه اتّفاقی افتاده؟ طرف مقابل ممکن است نخواهد بعضی حرف ها را بِزند، نباید زیر و رو و بالا و پایینش کرد، صحیح نیست.

۱- کافی(ط – الإسلامیه)، ج ۳، ص۴۱۷.

۲- کافی(ط الإسلامیه)، ج ۲، ص۲۲۹؛ عبارات مذکور، بخش هایی از خطبه ی معروف متّقین است که در نقل کتاب شـریف کافی وجود دارد امّا در نقل نهج البلاغه چنین نیامده است.

ص: ۳۵

ادبِ سلام و هر شادباشی

با خوشرویی و تبسّم، به برادران مؤمنت سلام کن. درباره ی سلام کردن و سبقت گرفتن به سلام سفارش شده است:

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ – علیه السلام – قَالَ: الْبَادِئُ بِالسَّلَامِ أَوْلَی بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ؛۴۳ (۱)

امام صادق – علیه السلام – فرمودند: آن که اوّل سلام کند، اولی است به خداوند و رسولش.

این سبقت گرفتنِ در سلام، سنّت پیامبر – صلی الله علیه و آله و سلم – بود، در وصف حضرت – صلی الله علیه و آله و سلم – آمده است:

یَبْدُرُ مَنْ لَقِیَهُ بِالسَّلَامِ؛۴۴ (۲)

(رسول خدا – صلی الله علیه و آله و سلم –) پیش دستی در سلام می کرد با هرکس که ملاقات می کرد.

این که یک بار سلام کردید، نگویید بس است؛ آقا صبح که آمدم، سلام کردم دیگر بس است. چندبار از اتاق بیرون می روم و بر می گردم، دیگر سلام کردن معنا ندارد؛ نه، باز هم معنا دارد؛ مگر این که در شرایطِ خاصّ و نامناسبی باشد که باید خود انسان متوجّه آن باشد تا افراط و تفریط نشود؛ زیرا افراط و تفریط در هر امری،

۱– وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۵۵.

۲– بحارالأنوار(ط – بیروت)، ج ۱۶، ص۱۴۹.

ص: ۳۶

غلط است. امّا به طورِ کلّی کثرتِ سلام، امر شایسته ای است و موجب افزایش محبّت در میان مؤمنین می شود. راوی می گوید: من با امام باقر – علیه السلام – در هودج۴۵ (۱)، هم سفر بودم. من ابتدا سوار می شدم بعد حضرت، وقتی هردو بر مرکب قرار می گرفتیم، حضرت سلام می کردند و احوال پرسی و مصافحه و وقتی پایین می آمدیم و بر روی زمین قرار می گرفتیم، باز حضرت سلام کرده، احوال پرسی می نمودند و مصافحه می کردند...۴۶ (۲). از روایت

۱- در زمان قدیم، وسیله ای بود که بر روی شتر می گذاشتند و دو طرف داشت و در هر طرفش کسی می نشست. ظاهراً این راوی به همراه امام – علیه السلام – سوار چنین وسیله ای بود و او یک طرف و حضرت در طرف دیگر نشسته بودند.

۲- «عَنْ أَبِی عُبَیْدَهَ قَالَ: کُنْتُ زَمِیلَ أَبِی جَعْفَرٍ – علیه السلام – وَ کُنْتُ أَبْدَأُ بِالرُّکُوبِ ثُمَّ یَرْکَبُ هُوَ فَإِذَا اسْتَوَیْنَا سَلَّمَ وَ سَاءَلَ مُسَاءَلَهَ رَجُلٍ لَا عَهْدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ وَ صَافَحَ قَالَ: وَ کَانَ إِذَا نَزَلَ نَزَلَ قَبْلِی فَإِذَا اسْتَوَیْتُ أَنَا وَ هُوَ عَلَی الْأَرْضِ سَلَّمَ وَ سَاءَلَ مُسَاءَلَهَ مَنْ لَا عَهْدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ فَقُلْتُ: یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنَّکَ لَتَفْعَلُ شَیْئاً مَا یَفْعَلُهُ أَحَدٌ مَنْ قِبَلَنَا وَ إِنْ فَعَلَ مَرَّهً فَکَثِیرٌ فَقَالَ – علیه السلام -: أَ مَا عَلِمْتَ مَا فِی الْمُصَافَحَهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ یَلْتَقِیَانِ فَیُصَافِحُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَلَا تَزَالُ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْهُمَا کَمَا یَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ وَ اللَّهُ یَنْظُرُ إِلَیْهِمَا حَتَّی یَفْتَرِقَا؛ ابو عبیده می گوید: من، هم کجاوه ی امام باقر – علیه السلام – بودم و اوّل من سوار می شدم و سپس آن حضرت، چون قرار می گرفتیم حضرت به من سلام می کرد و مانند مردی که رفیقش را به تازگی ندیده، احوال پرسی و مصافحه می فرمود و هنگام پیاده شدن، او پیش از من پیاده می شد، چون بر زمین قرار می گرفتیم، سلام می کرد و مانند کسی که رفیقش را به تازگی ندیده احوال پرسی می نمود. من گفتم: یا ابن رسول اللَّه! شما کاری می کنی که هیچ کس از مردم نزد ما نمی کند و اگر یک بار هم بکند زیاد است؟ فرمود: مگر ثواب مصافحه را نمی دانی؟ دو مؤمن بهم بر می خورند و یکی به دیگری دست می دهد، پس همواره گناهان آن دو می ریزد، چنان که برگ از درخت می ریزد، و خدا به آن ها توجّه می فرماید تا زمانی که از یکدیگر جدا شوند.» کافی (ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص۱۷۹.

ص: ۳۷

استفاده می شود همین که تغییرِ حالْ حاصل شد، سلام مناسب است.

از مصادیق افراط در سلام آن است که بدون نیاز ویژه، مسلمان به کافر حتّی کافر اهل کتاب سلام کند و یا در جواب سلام آنان، همچون پاسخِ سلام مسلمان بدهد. از امیرالمؤمنین – علیه السلام – آمده است:

لَا تَبْدَؤُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالتَّسْلِيمِ وَ إِذَا سَلَّمُوا عَلَيْكُمْ فَقُولُوا وَ عَلَيْكُم؛۴۷ (۱)

۱- کافی (ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص۶۴۹؛ «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ – علیهما السلام – عَنْ أَبِيهِ – علیه السلام – قَالَ: لَا تُسَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَ لَا عَلَى النَّصَارَى وَ لَا عَلَى الْمَجُوسِ وَ لَا عَلَى عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ وَ لَا عَلَى مَوَائِدِ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ الشِّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ ... وَ لَا عَلَى الشَّاعِرِ الَّذِی يَقْذِفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ لَا عَلَى الْمُصَلِّی وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْمُصَلِّیَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسَلِّمِ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدَّ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ وَ لَا عَلَى آكِلِ الرِّبَا وَ لَا عَلَى رَجُلٍ جَالِسٍ عَلَى غَائِطٍ وَ لَا عَلَى الَّذِی فِی الْحَمَّامِ وَ لَا عَلَى الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ؛ امام صادق – علیه السلام – می فرماید که پدرشان (امام باقر – علیه السلام –) فرمود: سلام نکنید بر یهودی و نه بر نصرانی و نه بر آتش پرست و نه بر بت پرستان و نه بر سر سفره ی شراب نشینان و نه بر شطرنج باز و نردباز ... و نه بر شاعری که زنان پاک دامن را متّهم می سازد و نه بر کسی که در حال نماز است؛ و این به خاطر آن است که (نمازگزار) نمی تواند پاسخ سلام را بگوید؛ زیرا سلام دادن از سلام دهنده مستحبّ است و پاسخش بر نمازگزار واجب، و سلام نکنید به رباخوار و نه بر کسی که بر قضای حاجت نشسته و نه بر آن که در حمّام است و نه بر کسی که آشکارا گناه می کند.» الخصال، ج ۲، ص۴۸۴.

ص: ۳۸

نسبت به کفّار اهل کتاب، آغاز به سلام نکنید و هر گاه به شما سلام کردند در پاسخ بگویید: و علیکم.

یکی دیگر از مصادیق افراط در سلام آن است که انسان به فرد در حال نماز، سلام کند. در روایت آمده است:

لَاتُسَلِّمُوا عَلَی الْیَهُودِ وَ لَا عَلَی النَّصَارَی ... وَ لَا عَلَی الْمُصَلِّی... ؛۴۸ (۱)

سلام نکنید بر یهودی و نه بر نصرانی ... و نه بر نمازگزار ...

گرچه، در صورتی که کسی بر نمازگزار سلام کرد حتّی اگر سلام کننده کودک ممیّز باشد باید جواب او داده شود۴۹ (۲). و این نکته حائز اهمّیت بالایی است که چه

۱- همان.

۲- این نکته در جوابِ سلام در نماز باید رعایت شود که جواب بیش از سلام نباشد و بلکه در خصوصیات، سلام و جواب مثل یکدیگر باشند. اگر فرضاً سلام کننده گفت: «سلامٌ علیکِ» در جواب نیز باید گفته شود: «سلامٌ علیکِ» نه مثل «سلامٌ علیکم»؛ بلکه اگر سلام کننده بگوید: «سلام» که علیکم آن در تقدیر است، بنابر اقوی، در پاسخ نیز باید گفته شود: «سلام» و علیکم آن مقدّر باشد.

ص: ۳۹

مقدار شارع مقدّس عنایت بر روی احترام مؤمن و ایجاد الفت بین مؤمنین داشته است که حتّی انسان وقتی مشغول عبادت واجب پروردگار است و ادب اقتضا می کند که هیچ التفاتی به غیر نداشته باشد، اگر مسلمانی سلام کرد، باید نمازگزار پاسخ او را بدهد. و نظیر این مسأله است این که مستحبّ است انسان روزه ی مستحبّی خود را بشکند به خاطر این که مؤمنی او را دعوت به طعامی می کند۵۰ (۱)، یا طواف را قطع کند برای برآوردنِ حاجتِ مؤمنی۵۱ (۲) و یا در هنگام اعتکاف با

۱- روایات متعدّدی بر این مطلب دلالت دارد از جمله روایت صحیح جناب شیخ صدوق ;از جمیل بن درّاج: «;قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ – علیه السلام -: مَنْ دَخَلَ عَلَی أَخِیهِ وَ هُوَ صَائِمٌ فَأَفْطَرَ عِنْدَهُ وَ لَمْ یُعْلِمْهُ بِصَوْمِهِ فَیَمُنَّ عَلَیْهِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ سَنَهٍ؛ امام صادق – علیه السلام – فرمود: هر که در حال روزه داری به نزد برادر ایمانی اش در آید و نزدش افطار کند و او را از روزه داری خویش آگاه نسازد که بر او منّت نهد، خداوند روزه ی یک سال را بر او نویسد.» کافی(ط – الإسلامیه)، ج ۴، ص ۱۵۰؛ و روایت صحیح اسماعیل بن جابر: «;قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ – علیه السلام – یَدْعُونِی الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا وَ هُوَ یَوْمُ صَوْمِی فَقَالَ – علیه السلام -: أَجِبْهُ وَ أَفْطِرْ؛ خدمت امام صادق – علیه السلام – عرض کردم: فردی از اصحاب ما (شیعیان) مرا دعوت می کند در حالی که روزِ روزه ام (روزه ی مستحبّی) می باشد؟ (حضرت – علیه السلام –) فرمودند: دعوتش را بپذیر و افطار کن.» وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص۱۵۵.

۲- در روایت صفوان جمّال آمده است: «قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ – علیه السلام -: الرَّجُلُ یَأْتِی أَخَاهُ وَ هُوَ فِی الطَّوَافِ فَقَالَ – علیه السلام – : یَخْرُجُ مَعَهُ فِی حَاجَتِهِ ثُمَّ یَرْجِعُ وَ یَبْنِی عَلَی طَوَافِهِ؛ به امام صادق – علیه السلام – عرض کردم: شخصی به سراغ برادر (مؤمن) خود می آید (تا برای انجام کاری از او یاری طلبد) در حالی که او مشغول طواف است (در این صورت تکلیف طواف کننده چیست؟) (امام – علیه السلام –) فرمودند: (تکلیف او این است که) در برآوردن حاجتش با او خارج می شود، و پس از آن باز می گردد، و بقیّه ی طواف را بر پایه ی طوافی که انجام داده است بنا می کند.» من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص۳۹۵؛ البتّه درباره ی کیفیّتِ بنای بر آن چه انجام شده و برخی خصوصیّات دیگر، شروطی است که در جای خود بیان شده است.

ص: ۴۰

شروطی برای عیادت از مریض یا تشییع جنازه از مسجد خارج شود۵۲ (۱).

به هرحال به این نکته نیز باید توجّه کنیم که ادبِ جوابِ سـلام را هم داشـته باشـیم. کسی که به شما سلام کرد، در جوابش به یک سلامِ خشک و خالی اکتفا نکنید، بلکه بهتر است که شما تحیّت و سلامی نیکوتر به او إهدا کنید۵۳ (۲). خداوند متعال می فرماید:

و إذا حُیِّیتُم بِتَحِیَّهٍ فَحَیُّوا بِأحسَنَ مِنها أو رُدُّوها؛۵۴ (۳)

و چون به شما تحیّت و درودی گفته شد، شما

۱- در صـحیحه ی حلبی آمـده است: «... و لَا یَخْرُجُ (أی المُعْتَکِف) فِی شَیْ ءٍ إلَّا لِجَنَازَهٍ أوْ یَعُودُ مَرِیضاً...؛ ... (معتکف از مسـجد) خارج نشود مگر برای تشییع جنازه ای یا عیادت بیماری ... .» کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۴، ص۱۷۹.

۲- همان طور که قبلًا تذکّر داده شد، این مربوط به غیر حالتِ نماز است.

۳- سوره ی نساء، آیه ی۸۶.

ص: ۴۱

تحیّتی نیکوتر از آن یا همانند آن را بگویید.

ابتدا خداوند متعال می فرماید: وقتی یک تحیّتی برای شما آمد که از جمله ی تحیّات، سلام است شما بهتر تحیّت بگو؛ اگر کسی به شما گفت: سلامٌ علیکم، شما در جواب بگو: علیکم السلام و رحمهُ الله و برکاتُه؛ یعنی پاسخ شما همان سلام، با برکت و خیر بیشتر باشد. حالا اگر کسی حال نداشت، قرآن می فرماید:)رُدُّوها(؛ یعنی همان تحیّت مثلاً سلام را به او برگرداند. این چنین نباشد که هر تحیّتی برای شما آمد، بی جواب باشد. در ذیل این آیه ی شریفه، روایت می فرماید:

السَّلَامُ وَ غَیْرُهُ مِنَ الْبِرِّ؛۵۵ (۱)

سلام و هر نیکیِ دیگری.

هرگونه تحیّتی به سوی شما آمد، مثلش یا بهترش را در مقابل ارائه بدهید؛ البتّه بهتر این است که تحیّت را به أحسن جواب داد۵۶ (۲). کسی شما را به مهمانی دعوت می کند، شما هم او را دعوت کن. دوستی برای شما هدیه ای می آورد، شما هم در وقتِ مناسب به او هدیه ای بدهید. ما را به هدیه دادن سفارش کرده اند؛ زیرا هدیه،

۱- بحارالأنوار(ط - بیروت)، ج ۷۳، ص۷.

۲- از برخی از روایات استفاده می شود نهایت سلام و جواب آن، «سلامٌ علیکم و رحمه الله و برکاته» است و در نتیجه بیشتر از آن افراط است. «وسائل الشیعه، ج۱۲، بَابُ کَیْفِیَّهِ رَدِّ السَّلَامِ عَلَی الْحَاضِرِ وَ الْغَائِبِ، ص۷۰.»

ص: ۴۲

محبّت را زیاد می کند:

تَهَادَوْا تَحَابُّوا؛۵۷ (۱)

به یکدیگر هدیه دهید تا دوستی در میان شما برقرار شود.

این ها اخلاقِ اسلامی و اجتماعی است.

بزرگ شمردن دوستان و مؤمنان، در حضور و غیاب آنان

انسان در همه چیز باید ادب و اخلاق حسنه را رعایت کند. با همسر، با فرزندان، با نزدیکان۵۸ (۲). گمانتان بر این نباشد که با کسی که خیلی صمیمی هستید، دیگر میانتان نیازی به رعایت ادب نیست. در روایتی از امام

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص۲۸۸؛ و نیز در روایت آمده است: «عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ - علیه السلام - قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ - علیه السلام - یَأْکُلُ الْهَدِیَّهَ وَ لَا یَأْکُلُ الصَّدَقَهَ وَ یَقُولُ تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِیَّهَ تَسُلُّ السَّخَائِمَ وَ تُجْلِی ضَغَائِنَ الْعَدَاوَهِ وَ الْأَحْقَادَ؛ امام باقر - علیه السلام - فرمودند: رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - هدیه قبول می فرمود، ولی صدقه را نمی خوردند و می فرمودند: به همدیگر هدیه بدهید که آن، کینه ها را برطرف می کند و دشمنی ها را از بین می برد.» وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۲۸۷.

۲- «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - علیه السلام -: وَطِّنْ نَفْسَکَ عَلَی حُسْنِ الصِّحَابَهِ لِمَنْ صَحِبْتَ فِی حُسْنِ خُلُقِکَ وَ کُفَّ لِسَانَکَ وَ اکْظِمْ غَیْظَکَ وَ أَقِلَّ لَغْوَکَ وَ تَغْرِسُ عَفْوَکَ وَ تَسْخُو نَفْسُکَ؛ امام صادق - علیه السلام - فرمودند: عزم خود را جزم کن که با هر کس معاشر و همراه شوی معاشری نیک و خوش اخلاق باشی. زبانت را نگهدار؛ خشمت را فرو بخور؛ کار بیهوده ات را کم کن؛ عفو و گذشت خود را بر سر راه مردم بگستر؛ مراقب باش که سخی طبع و گشاده دست باشی.» کافی(ط - الإسلامیه)، ج ۴، ص۲۸۶.

ص: ۴۳

باقر – علیه السلام – چنین نقل شده است:

عَظِّمُوا أصحَابَکُم و وَقِّرُوهُم و لایَتَهَجَّمْ بَعضُکُم عَلَی بَعضٍ و لاتَضَارُّوا و لاتَحَاسَدُوا و إیَّاکُم و البُخلَ و کُونُوا عِبَادَ اللَّهِ المُخلِصِین؛۵۹ (۱)

یارانتان را بزرگ بشمارید و احترام کنید و به یکدیگر پرخاش نکنید، و به هم ضرر نرسانید و حسد نورزید و از بخل بپرهیزید و بندگانِ خالصِ خدا باشید.

این چنین نباشد که با هر کسی که صمیمی هستیم، در جمع خصوصی یا عمومی او را با هر کلام و سخن ناشایست و سبکی مورد خطاب قرار دهیم یا با بی احترامی و بد رفتاری با او برخورد کنیم، فقط به این دلیل که ما با هم صمیمی هستیم! امام – علیه السلام – در روایت می فرماید:

عَظِّمُوا أَصْحَابَکُم؛

یارانتان را بزرگ بشمارید.

به عنوان یک معیار کلّی در نهج البلاغه آمده است:

کَفَاکَ أَدَباً لِنَفْسِکَ اجْتِنَابُ مَا تَکْرَهُهُ مِنْ غَیْرِک؛۶۰ (۲)

در ادب تو همین بس که از آن چه برای

۱– کافی(ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص۶۳۷.

۲– نهج البلاغه ی صبحی صالح، ص۵۴۸، حکمت۴۱۲.

ص: ۴۴

دیگران نمی پسندی، اجتناب کنی.

مردم و دوستانتان را با اسامی و القابی که دوست دارند و شایسته ی یک انسانِ مؤمن است، مورد خطاب قرار داده و از ایشان یاد کنید.

در زبان عربی، کُنْیه وجود دارد؛ کنیه، اسم قشنگ است؛ یعنی کسی را با کنیه می شود یاد کنند؛ مثلاً امیرالمؤمنین – علیه السلام – نام مبارکشان علی است و کنیه ی ایشان، ابو الحسن است.

در روایت دارد وقتی که در حضور برادرِ مؤمنت هستی، او را با کنیه یاد کُن۶۱ (۱)؛ زیرا این روش، محترمانه تر است. این مطلب بیان گر این نیست که وقتی برادرِ مؤمن شما نزدتان حاضر نبود، جایز باشد که با هر لفظی او را یاد کنید، بلکه باید در هر حال او را با احترام یاد کرد۶۲ (۲). این نکته را هم باید خدمتتان عرض کنم از اموری که به پرهیز از آن توجّه داده شده این است که مبادا انسان در حضورِ کسی او را مدح کند و ثنایش را بگوید و خدای نکرده پشت سرش،

۱– «عَنْ أَبِی الْحَسَنِ – علیه السلام – قَالَ: إِذَا کَانَ الرَّجُلُ حَاضِراً فَکَنِّهِ وَ إِذَا کَانَ غَائِباً فَسَمِّهِ؛ امام رضا – علیه السلام – می فرماید: وقتی از کسی یاد می کنی که حضور دارد، با کنیه از او یاد کن؛ امّا وقتی غایب است نام او را ببر.» کافی (ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲– البتّه مادامی که به حدّ تملّقِ مذموم نرسد که: «لَیْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ التَّمَلُّقُ وَ لَا الْحَسَدُ إِلَّا فِی طَلَبِ الْعِلْمِ؛ تملّق و حسد برای مؤمن روا نیست مگر در طلب علم.» مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۶۷.

ص: ۴۵

رذائل او را بیان کرده و غِیبتش کند. این یکی از بدترین روش ها و صفات رذیله است. در روایت دارد کسی که این چنین باشد که در برابر دیگران مدح و ثنای آنان را بگوید و در پشت سر، مذمّت کرده و غِیبتش کند، روز قیامت دو زبان از آتش برای او خواهد بود۶۳ (۱).

اسم این افراد را ذو لسانین می گذارند؛ یعنی کسی که دو زبان دارد؛ با یک زبان، روبرو مدح می کند و با یک زبان، پشت سر قدح می کند. می گویند: ذو لسانین، ذو وجهین. در روایات، چنین شخصی، عجیب مذمّت شده است۶۴ (۲).

از آداب مهمّ دیگری که وجود دارد این است که هنگامی که برادرِ مؤمنت در مجلسی حضور ندارد و موردِ غِیبت قرار می گیرد از او دفاع کُنی؛ بلکه اولاً نباید در مجلسی بنشینی که از برادرِ مؤمنت، غِیبت می شود. در روایتی از امام صادق – علیه السلام – چنین نقل شده است:

۱- «عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ – علیه السلام – قَالَ: مَنْ لَقِیَ الْمُسْلِمِینَ بِوَجْهَیْنِ وَ لِسَانَیْنِ جَاءَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ؛ امام صادق – علیه السلام – فرمودند: هرکس دو رو و دو زبان (منافقانه) با مسلمانان روبرو شود، روز قیامت بیاید در حالتی که دو زبان از آتش دارد.» کافی(ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص۳۴۳.

۲- «(قَالَ رَسُولُ اللهِ – صلی الله علیه و آله و سلم – :) یَا أَبَاذَرٍّ! مَن کَانَ ذُو وَجهَینِ و لِسَانَینِ فِی الدُّنیَا، فَهُوَ ذُو لِسَانَینِ فِی النَّار؛ (رسول خدا – صلی الله علیه و آله و سلم – فرمودند:) یا اباذرّ! هرکه در دنیا دو زبان و دو رو باشد، در جهنّم نیز دو زبانه است.» الأمالی(للشیخ الطوسی)، ص۵۳۷.

ص: ۴۶

مَن کانَ یُؤمِنُ بِاللهِ و الیَومِ الآخِرِ فَلا یَجلِسُ مَجلِساً یُنتَقَصُ فِیهِ امامٌ أو یُعَابُ فِیهِ مُؤمِنٌ؛۶۵ (۱)

هر که ایمان به خدا و روز جزا دارد، ننشیند در مجلسی که کم شمارند در آن امام را یا عیب کنند و بد گویند از مؤمنی.

در مرحله ی بعد اگر به هر دلیلْ غیبتی اتّفاق افتاد، شنونده باید ردِّ غِیبت کند؛ یعنی اگر می داند که مطلب ذکر شده خلاف واقع است بگوید چنین نیست. اگر هم احتمال می دهد که چنین مطلبی صحیح است، مثلاً توضیح دهد که می شود حملِ بر صحّت کرد.

به هر حال، جز در موارد استثنای غِیبت، نمی توان پشتِ سرِ کسی ناروا صحبت کرد. البتّه غِیبت هم استثنا دارد. مواظب باشیم که مبادا هر کسی که در موردِ شخصی در نبودِ او صحبت کرد، بگوییم غِیبت نکن؛ این گونه رفتار کردن هم، خلاف ادب است. شاید او مجوّز دارد و نمی خواهد غِیبتِ حرام انجام دهد. یادم نمی رود که در زمان طاغوت، طبقِ وظیفه در جلسه ای در موردِ یکی از آخوندهای ساواکی برای حُضّار سخنی گفتم تا او را بشناسند و از او اجتناب کنند. در آن جلسه شخص مقدّس مآبی نشسته بود و از این افشاگری، رویش را در هم کشید، به این منظور که این صحبت ها غِیبتِ آن

۱- . کافی(ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص۳۷۷.

ص: ۴۷

شخص است. در صورتی که در چنین مواردی، غِیبت کردن نه تنها جایز، بلکه چه بسا واجب باشد؛ اگر کسی اهل بدعت بوده و یا شایسته ی مقامی نباشد؛ مثلاً خود را در معرضِ تعلیم دین و فتوا قرار دهد، در این صورت برای حفظ دینِ مردم باید این ها را به مردم معرفی کرد. این ها از مصادیقِ غِیبت های واجب است. ولی آن جایی که انسان می داند سخن گفتن از کسی، مصداق غِیبتِ حرام است، ادب اقتضا می کند که انسان اوّلاً در چنین مجلسی ننشیند و ثانیاً اگر غِیبتی اتّفاق افتاد، از برادر مؤمنش دفاع کند. در روایتی آمده است: اگر کسی غِیبت مؤمنی کرد و مؤمن دیگری شنید و دفاع کرد، خداوند متعال در روز قیامت او را یاری می کند و اگر دفاع نکرد، خداوند در روز قیامت او را مخذول می کند و وا می گذارد.

در وصیت پیامبر اکرم – صلی الله علیه و آله و سلم – به امیرالمؤمنین – علیه السلام – آمده است:

یَا عَلِیُّ! مَنِ اغْتِیبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَاسْتَطَاعَ نَصْرَهُ فَلَمْ یَنْصُرْهُ خَذَلَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَه؛۶۶ (۱)

۱– من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص۳۷۲؛ «عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ – علیه السلام – قَالَ: مَنِ اغْتِیبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَنَصَرَهُ وَ أَعَانَهُ نَصَرَهُ اللَّهُ وَ أَعَانَهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ مَنْ لَمْ یَنْصُرْهُ وَ لَمْ یُعِنْهُ وَ لَمْ یَدْفَعْ عَنْهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَی نُصْرَتِهِ وَ عَوْنِهِ إِلَّا خَفَضَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَه؛ امام باقر – علیه السلام – فرمودند: هرکه غیبت شود نزد او برادر مؤمنش و او را یاری و کمک دهد، خداوند او را در دنیا و آخرت یاری کند و اگر با داشتن قدرت، او را یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار و پَست می گرداند.» وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۹۱.

ص: ۴۸

ای علی! هرکس در پیش او غِیبت از برادر مسلمانش بکنند و او توانای یاری برادر مسلمانش را داشته باشد و یاری نکند، خدا او را در دنیا و آخرت خوار کند.

ادب در سخن، و اشاره به تفاوت مرد و زن در برخی آداب

یکی از آداب مهمّ معاشرت و زندگی، نرمی و پاکیزگی و دل نشین بودنِ سخن با مردم است. خداوند متعال در یک فرمان فراگیر می فرماید:

وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً؛۶۷ (۱)

و با مردم به زبان خوش سخن گویید.

و در روایات متعدّدی سفارش به پاکیزگی و مطبوع بودن کلام شده است. از جمله از امیرالمؤمنین – علیه السلام – آمده است:

أَطِیبُوا الْکَلَام... ؛۶۸ (۲)

۱– سوره ی بقره، آیه ی۸۳؛ خطابِ در آیه ی شریفه گرچه به بنی اسرائیل است امّا به شهادت روایات، ملاک آن عامّ است؛ در روایت از امام باقر – علیه السلام – در تفسیر آیه چنین آمده است: «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ یُقَالَ فِیکُم؛ بگویید به مردم بهترین آن چه دوست دارید در مورد شما گفته شود.» کافی(ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص۱۶۵.

۲– کافی(ط الإسلامیه)، ج ۲، ص۶۴۵.

ص: ۴۹

به خوبی و پاکیزگی سخن بگویید ... .

البتّه به یک نکته ی بسیار مهمّ بایـد توجّه شود که ادبِ زن و مرد در میـان خودشـان و چه در اجتمـاع چه بسا متفاوت از یکـدیگر باشـد؛ از جمله در «کلام» که باید زنان از نرمیِ گفتار در برابر نامحرم اجتناب کنند. خداوند متعال خطاب به زنان پیامبر – صـلی الله علیه و آله و سلم – می فرماید:

فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ؛۶۹ (۱)

پس به نرمی سخن مگویید.

یا در مورد پوشش زنان می فرماید:

وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَ؛۷۰ (۲)

و روسری های خود را تا گریبان، فروگذارند.

و نیز فرموده است:

یُدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیبِهِنَّ؛۷۱ (۳)

بالاپوشِ خود را بر خویش بیفکنند.

خداوند متعال در سوره ی مبارکه ی نور آیه ی شریفه ی ۳۱ دو بار می فرماید:

وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ؛

زنان، زینت های خود را آشکار نسازند.۷۲ (۴)

۱- سوره ی احزاب، آیه ی ۳۲.

۲- سوره ی نور، آیه ی ۳۱.

۳- سوره ی احزاب، آیه ی ۵۹.

۴- و در روایتِ صحیح از بازو تا مچ های زنان از زینت در این آیه شمرده شده است و نیز هرچه زیر روسری و النگوست. فضیل بن یسار می گویـد: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ – علیه السـلام – عَنِ الذِّرَاعَیْنِ مِنَ الْمَرْأَهِ أ هُمَا مِنَ الزِّینَهِ الَّتِی قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ لایُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَ؟ قَـالَ – علیه السـلام –: نَعَمْ وَ مَـا دُونَ الْخِمَـارِ مِنَ الزِّینَهِ وَ مَـا دُونَ السِّوَارَیْنِ؛ از امـام صادق – علیه السـلام – از ذراعین (محدوده ی بین بازو تا مچ) زنان سوال پرسیدم که آیا آن دو از زینتی هستند که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «زنان، زینت های خود را آشکار نسازنـد مگر برای شوهرانشان ... .»؟ (حضـرت – علیه السـلام –) فرمودند: بله، و هم چنین آن چه که زیر

روسری و زیر النگوست، زینت می باشد.» کافی(ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص ۵۲۰.

ص: ۵۰

و در مورد اوّل، استثنای مقداری را که لازم نیست بپوشانند ذکر می فرماید، یعنی:

﴿إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْه﴾؛

جز آن مقدار از آن ها که پیداست.

و در مورد دوم، افرادی را که لازم نیست زنان، زینت خود را در برابر آنان بپوشانند، ذکر فرموده است، یعنی:

﴿إِلاَّـ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبـائِهِنَّ أَوْ آبـاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنـائِهِنَّ أَوْ أَبْنـاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنی إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنی أَخَواتِهِنَّ أَوْ نِسـائِهِنَّ أَوْ ما مَلَكَتْ أَیْمانُهُنَّ أَوِ التَّابِعینَ غَیْرِ أُولِی الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلی عَوْراتِ النِّساء﴾؛

مگر برای شوهرانشان، یا پـدرانشان، یا پـدر شوهرانشان، یا پسـرانشان، یا پسـران همسـرانشان، یا برادرانشان، یا پسـران برادرانشان، یا پسران

ص: ۵۱

خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند.

و از پاکیزگیِ در رفتار و کلام است شکرگزاری نسبت به کسانی که خدمتی به شخص و یا جامعه ارائه داده اند. در روایت آمده است:

مَنْ لَمْ یَشْکُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ لَمْ یَشْکُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛۷۳ (۱)

هرکس که پاس نعمت خویش از مخلوق را ندارد، خداوند عزّوجلّ را شکر نکرده است.

ادبِ مُدارا، هوشیاری و تغافل

انسان بایـد در گفتار و رفتار خود در عین رعایت حکمت و معرفت، نرم و سهل باشـد، و تنـدی و خشونت مگر در موارد استثنا از مؤمن به دور است. در روایت آمده است:

الْمُؤْمِنُونَ هَیِّنُونَ لَیِّنُونَ؛۷۴ (۲)

مؤمنان نرم خو و ملایمند.

و حتّی در معامله که مبنی بر هوشیاری است در عین نهیِ از غافل شدن و امر به دقّت و بصیرت و عدم

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص۳۱۳.

۲- کافی(ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص۲۳۴؛ و می توان چنین نیز اعراب کرد: «الْمُؤْمِنُونَ هَیْنُونَ لَیْنُونَ.»

ص: ۵۲

اعتماد بی جا در روایت آمده است:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی یُحِبُّ الْعَبْدَ یَکُونُ سَهْلَ الْبَیْعِ سَهْلَ الشِّرَاءِ سَهْلَ الْقَضَاءِ سَهْلَ الِاقْتِضَاءِ؛۷۵ (۱)

خداونـد متعـال بنـده ای را دوسـت دارد که در معاملاـتش سـهل گیر باشـد، در فروش، آسـان بگیرد، در خریـد، آسـان گیرد، و در پرداخت و دریافتش نیز آسان بگیرد.

و به طور کلّی، مؤمن در عین فطانت و هوشیاری «الْمُؤْمِنُ کَیِّسٌ فَطِنٌ حَذِر؛۷۶ (۲) مؤمن، هوشیار و دقیق و محتاط است.» در بسیاری از مـوارد، خـود را بـه غفلـت می زنـد به گـونه ای که دیگران گمـان می برنـد که فریب خـورده است درحـالی که این یـک غفلتِ دسـتوری بـوده کـه برای رضـای خداونـد و صـلاحِ حـال خـود و جـامعه انجـام داده اسـت و از روی کرامت و بزرگـواری، از بعضِ ناهنجاری ها و بی ادبی ها گذشته است. از امیرالمؤمنین - علیه السلام - نقل شده است:

تَغَافَلْ یُحْمَدْ أَمْرُک؛۷۷ (۳)

تغافل کن تا ستوده شود کار تو.

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص۱۹۶.

۲- بحارالأنوار(ط - بیروت)، ج ۶۴، ص۳۰۷.

۳- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۴۵۱، ح۱۰۳۷۲.

ص: ۵۳

مراد، تغافل از بی ادبی ها و تقصیرات نزدیکان و معاشران است و خود را بی خبر وانمودن کردن.

و نیز:

مَنْ لَمْ یَتَغافَلْ وَ لَا یَغُضَّ عَنْ کَثِیرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عِیشَتُه؛۷۸ (۱)

هر که تغافل نکند و چشم نپوشد از بسیاری از کارها، زندگانیش تیره و ناصاف گردد.

نقل شده است جاحظ (أبو عثمان عمرو بن بحر الجاحظ) دانشمند معروف اهل تسنّن در کتاب البیان و التبیین گفته است: حقّاً جمع کرده است محمّد بن علیّ بن الحسین (امام باقر – علیه السلام –) صلاح حال دنیا را با تمام زوایای آن در دو کلمه:

صَلاحُ حَالِ التَّعایُشِ و التَّعاشُرِ مِلْءُ مِکْیالٍ ثُلُثاهُ فِطْنَهٌ وثُلُثُهُ تَغافُلٌ؛۷۹ (۲)

۱- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص۴۵۱، ح۱۰۳۷۵.

۲- الأنوار البهیّه، ص۱۴۱؛ البتّه طبق برخی نرم افزارها در کتاب البیان و التبیین چنین آمده است: «و قد جمع محمد بن علی بن الحسین صلاح شأن الدنیا بحذافیرها فی کلمتین فقال: صلاح شأن جمیع التعایش و التعاشر ملء مکیال ثلثاه فطنه و ثلثه تغافل ... .» ج۱، ص۸۴؛ (تحقیق و شرح: عبد السلام هارون، دارالنشر: مکتبه الخانجی القاهره، چاپ هفتم، سال۱۴۱۸ه، ۱۹۸۸م).

ص: ۵۴

مصلحت زندگی و معاشرت اجتماعی به پیمانه ای پُر مانَد که دو سوم آن هوش و زیرکی؛ و یک سومش نادیده گرفتن و تغافل است.

حتّی از کنار عطسه ی مؤمن، بی اعتنا نباید گذشت!

یکی دیگر از آداب مورد سفارش، تسمیت است؛ یعنی مستحبّ است اگر کسی عطسه کرد، برادر مؤمنش برای او دعا کرده، تحیّت بگوید. مثلاً به او بگوید: خدا تو را رحمت کند (یرحمک الله):

کَانَ أبُوجَعفَرٍ – علیه السلام – إذَا عَطَسَ فَقِیلَ لَهُ: یَرحَمُکَ اللَّه قَالَ – علیه السلام –: یَغفِرُ اللَّهُ لَکُم و یَرحَمُکُم؛

هرگاه امام باقر – علیه السلام – عطسه می کرد و به او می گفتند: خداوند تو را رحمت کند، ایشان در پاسخ آنان می فرمودند: خداوند بر شما ببخشاید و شما را رحمت کند.

و إذَا عَطَسَ عِندَهُ إنسَانٌ؛

و هرگاه کسی در حضور امام باقر – علیه السلام – عطسه می کرد؛

قَالَ – علیه السلام –: یَرحَمُکَ اللَّهُ عَزَّوجَلَّ؛ ۸۰ (۱)

۱– کافی(ط – الإسلامیه)؛ ج ۲، ص۶۵۵؛ با آن که در زبان عربی به کارگیری صیغه ی جمع برای مفرد مرسوم نیست در برخی روایات ذکر شده است که در سه مورد با صیغه ی جمع خطاب می شود هر چند مخاطب یک نفر باشد: «ثَلَاثَةٌ تُرَدُّ عَلَیْهِمْ رَدَّ الْجَمَاعَهِ وَ إِنْ کَانَ وَاحِداً؛ سه گروه هستند که مانند خطاب قرار دادن جماعت، ایشان را مورد خطاب قرار می دهند اگر چه یک نفر باشد؛ عِنْدَ الْعُطَاسِ یُقَالُ: یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ وَ إِنْ لَمْ یَکُنْ مَعَهُ غَیْرُهُ؛ هنگام عطسه کردن گفته می شود: یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ و اگر چه شخص دیگری با او نباشد؛ وَ الرَّجُلُ یُسَلِّمُ عَلَی الرَّجُلِ فَیَقُولُ: السَّلَامُ عَلَیْکُمْ؛ و هنگامی که مردی (شخصی) به مردی (دیگری) سلام می کند، می گوید: السَّلَامُ عَلَیْکُمْ؛ وَ الرَّجُلُ یَدْعُو لِلرَّجُلِ فَیَقُولُ: عَافَاکُمُ اللَّهُ وَ إِنْ کَانَ وَاحِداً فَإِنَّ مَعَهُ غَیْرَهُ؛ و هنگامی که مردی (شخصی) برای مردی (دیگری) دعا می کند، می گوید: عَافَاکُمُ اللَّهُ اگر چه یک نفر باشد؛ زیرا که دیگری(فرشتگان) با اوست.» کافی(ط – الإسلامیه)، ج ۲، ص۶۴۵؛ و در روایتی درباره ی کیفیّت سلام در مورد زنان چنین آمده است: «سَأَلَ عَمَّارٌ السَّابَاطِیُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ – علیه السلام – عَنِ النِّسَاءِ کَیْفَ یُسَلِّمْنَ إِذَا دَخَلْنَ عَلَی الْقَوْمِ؟ قَالَ – علیه السلام –: الْمَرْأَهُ تَقُولُ: عَلَیْکُمُ السَّلَامُ وَ الرَّجُلُ یَقُولُ: السَّلَامُ عَلَیْکُمْ؛ عمّار ساباطی از امام صادق – علیه السلام – سؤال کرد: زنان چگونه بر جماعت مردان سلام کنند؟ امام فرمود: زن می گوید: علیکم السّلام، و مرد می گوید: سلام علیکم.» من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۰.

ص: ۵۵

ایشان می فرمودند: خداوند عزّوجلّ تو را رحمت کند.

در روایت آمده است اگر این حقّ را برای برادر

ص: ۵۶

مؤمنت انجام نـدادی، روز قیامت می توانـد از تو باز خواست کنـد البتّه در حـدّ بازخواست استحبابی و به نفع او و علیه تو حکم می شود۸۱ (۱).

نمونه ای از شدّت اهتمام یاران امامان – علیهم السلام – به شناخت و عمل به آداب

عـدّه ای در آن زمان هایی که حمّام در منزل نبود، در مـدینه به حمّام رفته بودنـد؛ در مسـیر بر گشت، امام صادق - علیه السـلام - با آنان برخورد کردند، ادامه ی روایت چنین است:

فَقَالَ - علیه السلام - لَنَا: مِن أینَ أَقبَلتُم؟؛

امام - علیه السلام - به ما فرمود: از کجا می آیید؟

فَقُلنَا لَهُ: مِنَ الحَمَّام؛

گفتیم: از حمّام.

فَقَالَ - علیه السلام -: أَنقَی اللَّهُ غَسْلَکُم؛

حضرت فرمود: خدا شستشوی شما را پاکیزه گرداند.

فَقُلنَا لَهُ: جُعِلنَا فِداکَ!

عرض کردیم: فدای شما گردیم!...

۱- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صـلی الله علیه و آله و سـلم - : لِلْمُسْلِمِ عَلَی أَخِیهِ ثَلَاثُونَ حَقّاً لَا بَرَاءَهَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوِ الْعَفْوِ یَغْفِرُ زَلَّتَهُ وَ یَرْحَمُ عَبْرَتَهُ ... وَ یُسَـمِّتُ عَطْسَـتَهُ...؛ رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: مسلمان بر برادر مسلمانش سی حقّ دارد که از آن ها بری نشود جز به ادای آن ها یا گذشت حقّ دار: از لغزشـش درگذرد، به اشکش رحم آورد، ... عطسه اش را خیر باشد گوید، ... .» وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص۲۰۳.

ص: ۵۷

این ها دیگر نتوانستند در جواب امام - علیه السلام - چیزی بگویند، گفتند: قربان شما شویم آقا، بعد پیش خودشان گفتند: معلوم است این تحیّتی است که جواب مناسب دارد، باید از خود امام - علیه السلام - یاد بگیریم، چگونه یاد بگیریم؟ بهتر این است که ما با امام - علیه السلام - همراه شویم؛ زیرا معلوم بود که به حمّام می روند، وقتی بیرون آمدند، همین تحیّت را به ایشان بگوییم تا ببینیم جواب چیست. نشستند، امام - علیه السلام - استحمامشان تمام شد و بیرون آمدند، خدمت حضرت - علیه السلام - عرض کردند:

أنقَی اللَّهُ غَسْلَکُم؛

خدا شستشوی شما را پاکیزه گرداند.

حضرت در جواب فرمودند:

طَهَّرَکُمُ اللَّهُ؛۸۲ (۱)

خداوند شما را پاکیزه کند.

این ها آداب اجتماعی است، هم دعا و توجّه به خداست و هم محبّت بین افراد را زیاد کرده و ما را به هم دیگر نزدیک می کند. به هر حال، طبق دستوراتِ اسلام همان طوری که عرض کردیم برای هر چیزی أدبی هست. از هنگام تولّد فرد بلکه قبل از تولّد او، آن وقتی که پدر و مادرش می خواهند ازدواج کنند در شریعت اسلام

۱- کافی(ط الإسلامیه)، ج۶، ص۵۰۰؛ تحیّاتِ دیگری هم برای استحمام، در روایات آمده است.

ص: ۵۸

برایش آدابی در نظر گرفته شـده است. آداب النکاح از مسائلِ مهمّی است که در روایات و کتاب های فقهی وجود دارد. چه آدابی بایـد در هنگـام خواسـتگاری، عقـد و در هنگامی که عروس به منزل آورده می شود، رعایت گردد. در هنگامِ حاملگی، در هنگامی که بچه متولّـد می شود، بعـد از تولّـد تا هنگامی که بزرگ می شود و تا آن زمانی که می خواهند ما را در قبر بگذارند، همه ی این ها آداب دارد، و مؤمن باید این آداب را مورد توجّه قرار دهد.

بهترین میراث

آخرین مطلبی را که می خواهم خدمت شـما بزرگواران عرض کنم این است که در روایت از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده است که:

إنَّ خَیرَ مَا وَرَّثَ الآبَاءُ لِأبنَائِهِمُ الأَدَبُ لا المَالُ فَإنَّ المَالَ یَذهَبُ و الأدبَ یَبقَی؛۸۳ (۱)

نیکوترین میراثِ پدران برای فرزندانشان، ادب است نه مال؛ زیرا مال می رود و ادب باقی می ماند.

اگر کسـی فرزنـدش را با ادب تربیت کند ادب به معنای وسـیعش؛ یعنی ادب با خداوند متعال، ادب با پیامبر خدا - صـلی الله علیه و آله و سلم - ، ادب با معصومین - علیهم السلام -، ادب با والدین، ادب با مردم و ... بهتر از آن است که میلیاردها برای او

۱- کافی(ط الإسلامیه)، ج ۸، ص ۱۵۰.

ص: ۵۹

مال باقی بگذارد.

خداونـد به همه ی ما توفیقِ متأدِّب شدن به آدابِ الهی و رعایتِ ادب با خداوند متعال، پیامبر خدا - صـلی الله علیه و آله و سـلم - ، اهل بیت - علیهم السلام - و همه ی بزرگان و مؤمنین و آحاد مردم را عنایت بفرماید.

و آخر دعوانا

أن الحمد لله ربّ العالمین

و صلّی الله علی محمّدٍ و آله الطّاهرین

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱
بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹